

یک ارزیابی از خیزش توفنده‌ی آبان ۹۸

با سه برابر شدن بهای بنزین و افزایش آن به لیتری ۳۰۰۰ تومان که در نیمه‌های شب اعلام شد، موج اعتراضات توده‌ای که از همان نخستین ساعات بامداد روز جمعه ۲۴ آبان آغاز شد، به سرعت، تمام پهنه‌ی کشور را دربر گرفت. اعتراض نسبت به افزایش قیمت بنزین و مخالفت گسترده افشار زحمت کش جامعه بان، بی‌درنگ به اعتراض علیه سران رژیم و تمامیت نظم موجود فرا روید. آتش خشم و نارضایتی



در صفحه ۳

ضرورت تدارک سیاسی و نظامی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه

تلاطم‌های سیاسی که کشور را فراگرفته و آخرین نمونه آن قیام ۵ روزه اواخر آبان ماه بود، گرچه هنوز به معنای وقوع انقلاب نیست، اما دلایلی روشن بر این حقیقت‌اند که تمام پیش‌شرط‌های عینی لازم برای برپایی یک انقلاب فراهم شده است. از خیزش بزرگ دی‌ماه سال ۹۶ که نقطه پایانی بر یک دوره رکود سیاسی و به‌اصطلاح همزیستی مسالمت‌آمیز دو اردوی متخاصم انقلاب و ضدانقلاب نهاد، مبارزات تعرضی سیاسی توده‌ای تا به امروز بی‌وقفه ادامه یافته و پیوسته رادیکال‌تر و فراگیرتر شده‌اند. این اما به آن معنا نیست که افت‌وخیزی در این مبارزه توده‌ای و اشکال آن نبوده و جنبش همواره در یک خط صعودی مستقیم، پیش رفته است. بالعکس عقب‌نشینی و پیشروی جنبش، همراه با اشکال به‌هم‌پیوسته‌ای از اعتصابات اقتصادی و سیاسی، تجمع، راهپیمایی و تظاهرات، شورش و قیام، مبارزات مسالمت‌آمیز و قهرآمیز با مطالبات بسیار متنوع، ناشی از منطق درونی مبارزه در یک چنین دوران پرتلاطمی است. گرچه جنبش در کلیت آن رشد کرده و ارتقا یافته، مبارزه رادیکال‌تر شده و به شکل‌های عالی‌تری ارتقاء یافته است، اما نقطه اوج جنبش در هر مرحله، پیامدش اشکال ظاهراً پایین‌تری از مبارزه بوده است تا توده‌های وسیع‌تری را به جنبش انقلابی بکشاند. از این‌روست که پی آمد خیزش توده‌ای دی‌ماه، اعتصابات و تظاهرات پراکنده‌ای بود که ۶ ماه ادامه یافت، تا این‌که در تظاهرات توده‌ای تیرماه ۹۷ نقطه عطف جدیدی را در پیشروی جنبش ثبت کرد. این تظاهرات توده‌ای پس از چندین روز درگیری با نیروهای سرکوب رژیم، فروکش کرد، اما در تظاهرات و اعتصابات سیاسی کارگران چند کارخانه در آبان ماه، به بالاترین نقطه رادیکالیسم خود رسید که مطالبات عموم توده‌های زحمتکش مردم در شعار نان-کار- آزادی انعکاس یافت و بدیل کارگران برای نظم موجود، نظم شورایی اعلام گردید. پی آمد آن نیز یکرشته تظاهرات توده‌ای در خوزستان و یا اعتصابات سیاسی کردستان، راهپیمایی‌ها، تظاهرات و تجمع‌های کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان بود. این مبارزات اکنون به نقطه‌ای رسیده است که ۵ روز تقریباً تمام شهرهای کشور، شاهد تظاهرات توده‌ای، سنگ‌رندی‌های خیابانی، درگیری با نیروهای

در صفحه ۲

زبان زنان با جمهوری اسلامی، زبان آتش است

رژیم به مردمی است که در اعتراض به تعرض مجدد حاکمان جمهوری اسلامی به سطح معیشت‌شان، در سراسر ایران، خودجوش به خیابان‌ها آمدند و به اعتراض برخاستند. انگ‌هایی که بیش از همه شایسته تمامی سران رژیم از رهبرشان گرفته تا مزدوران قلم‌به‌دست‌شان است. سرآمد این انگ‌ها، "اشرار" است که سران رژیم مصداق واقعی آن هستند.

اما علت اشاره به این نقل قول، انعکاس بخشی از واقعیت در آن است. بخشی از واقعیت، چرا که زنان نه تنها در اعتراضات روزهای اخیر، بلکه منت‌هاست که در اعتراضات علیه جمهوری

در صفحه ۸

"میان‌داری و میدان‌داری ویژه زنان در اغتشاشات اخیر، چشمگیر به نظر می‌رسد. در نقاط متعدد به‌ویژه حومه تهران، زنان ظاهراً ۳۰ تا ۳۵ سال، نقش ویژه‌ای در لیدری اغتشاشات به عهده دارند... یکی از شورش‌ها فیلم می‌گیرد، دیگری جلوی خودروها را می‌گیرد و دیگری با تحریک مردم، آن‌ها را به پیوستن به صف اغتشاش‌ها مجاب می‌کند."

این نقل قولی‌ست از گزارشی از روزنامه حکومتی "صبح نو" که بلافاصله روز ۲۹ آبان در سایر رسانه‌های رژیم باز نشر یافت.

این نقل‌قول و کل این گزارش حاوی ادبیات و انگ‌های همیشگی ملال‌آور و منزجرکننده‌ی

جنگ رژیم تا بن دندان مسلح با توده‌های قهرمان ایران

ابتدا از این واقعیت شروع کنیم که تمام سلاح‌هایی که در دست طبقه حاکم قرار دارد و این روزها علیه مردم قهرمان ایران به‌کار گرفته شد و سینه آن‌ها - بویژه جوانان‌شان را - نشانه رفت، حاصل ثروت‌هایی‌ست که توسط کارگران ایران تولید شده، حاصل دارایی‌ها و ثروت مردمی‌ست که در چنگال رژیم خون‌خوار گرفتار آمده و این رژیم جنایتکار این ثروت را غصب کرده است. ثروتی که حاکمان ایران با آن هم جیب خود را انباشته و به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافته‌اند و هم دستگاه عریض و طویلی به‌راه انداخته‌اند که وظیفه اصلی‌شان امروز بر همه آشکار گشته است و آن سرکوب توده‌ها و حفظ حکومت اسلامی و مناسبات ظالمانه سرمایه‌داری است.

اگر تا دیروز پیشروترین نیروها، ما کمونیست‌ها بر این تاکید می‌کردیم که دولت به مفهوم عام خود، محصول مناسبات طبقاتی‌ست، وظیفه‌ای جز حفظ مناسبات موجود ندارد و هرگونه تلاش عوام‌فریبانه برای ساختن تصویری دیگر از دولت، تلاشی برای حفظ نظم موجود و وضعیت جاری است، امروز توده‌های شهر و روستا در سطحی به گستردگی ایران در تجربه عملی خود این موضوع را با پوست و گوشت

در صفحه ۵

پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) به
کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

ضرورت تدارک سیاسی و نظامی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه

مزدور سرکوب، حمله مردم به مراکز ارگان‌های نظامی، دستگاه فریب و تحمیق روحانیت و بانک‌های سرمایه‌داران بود. این که توده‌های مردم خشمگین در پاسخ به وحشی‌گری نیروهای سرکوب، مراکز ارگان‌های نظامی، حوزه‌های علمیه و بانک‌ها را به آتش کشیدند و کمترین خسارتی به اموال مردم معمولی و امکانات عمومی وارد نیاوردند، ناشی از آگاهی قیام‌کنندگان و هدفدار بودن این قیام بود و نه آن‌گونه که برخی مدعی‌اند، شورشی بی‌هدف. این تعرض، بازتاب خصلت ضد سرمایه‌داری، ضد استبدادی و ضد دولت دینی بود که در شعارها نیز انعکاس یافت. اما بالعکس این واحدهای فاشیست سرکوب بودند که از همان آغاز ماشین‌های مردمی را که در اعتراض به گرانی بنزین، اتومبیل‌های خود را در خیابان‌ها متوقف کرده بودند، در هم شکستند و به اموال مردم معمولی حتی آن‌هایی که در قیام حضور نداشتند، خسارت وارد آوردند. این مبارزه که شکل آشکار یک قیام را به خود گرفت، چنان رژیم را به لرزه درآورد که خامنه‌ای این سرکرده اشرار و باندهای زرد و غارتگر حاکم بر ایران، آشکارا تمام نیروی سرکوبش را برای در هم شکستن قیام مردم فراخواند. رادیکالیسم و قدرت تعرضی این جنبش خود را در این واقعیت نیز نشان داد که خامنه‌ای آشکارا امنیت رژیمش را درخطر دید و جنگ نظامی خود را با صدها هزار تن از مردم ایران، جنگ امنیتی نامید. دست‌نشانده او نیز در سمت فرمانده عملیات بسیج، عظمت قیام مردم را به جنگ جهانی علیه نظام تشبیه کرد که تحت "توجهات خدا و عنایات امام زمان نجات" یافت.

رادیکالیسم، جرئت و شجاعت، فداکاری، از خودگذشتگی و قهرمانی مردم در جریان این قیام که یادآور روحیه انقلابی توده‌های کارگر و زحمتکش در واپسین روزهای رژیم سلطنتی است، انعکاسی از عمق بحران سیاسی فراگیر در ایران است. این بدان معناست که تمام شرایط عینی برای یک انقلاب آماده است. با قیام آبان ماه، توده‌های مردم ایران در سراسر کشور بار دیگر آشکارا نشان دادند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند. نشان دادند که بحران سیاسی فراگیر، عمومی و سرتاسری است. نشان دادند که می‌خواهند سرتاپای نظم موجود را ویران کنند. نشان دادند که حتی آماده روی‌آوری به قیام مسلحانه‌اند. طبقه حاکم نیز از مدت‌ها پیش نشان داده است که دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. تمام سیاست‌های طبقه حاکم و هرگونه اصلاح و تعمیر نظم موجود ناممکن شده است. جمهوری اسلامی به چنان مرحله‌ای از پوسیدگی و گندیدگی رسیده است که بوی زننده آن تمام جامعه را فراگرفته است. هیچ راهی برای نجات جمهوری اسلامی از بحران‌های متعددی که احاطه‌اش کرده‌اند و بن‌بستی که در آن

گرفتار شده، وجود ندارد. تنها کاری که هنوز از دستش ساخته است، کشتار بی‌رحمانه مردم را و در آبان ماه، وحشیانه‌تر از گذشته مردم را کشتار کرد. اما این کشتار، رژیم را نجات نخواهد داد، همان‌گونه که سرکوب‌ها و کشتارهای پیشین کارساز نبوده است. چنانچه در طول دو سال گذشته دیده‌ایم، در شرایطی که بحران سیاسی ژرفی جامعه ایران را فراگرفته است، این کشتارها نعتها مردم را مرعوب نمی‌کند، بلکه امواج وسیع‌تری از مردم را به میدان مبارزه علنی و رادیکال، سوق می‌دهد. قیام آبان ماه نیز همین را نشان داد. قیام آبان ماه نشانی از این واقعیت است که به‌زودی اشکال عالی‌تری از مبارزات توده‌ای در ابعادی وسیع‌تر رخ خواهد داد. تجربه این قیام به مردم ایران نشان داد که جمهوری اسلامی سلاحی جز کشتارهای بی‌رحمانه ندارد. از این‌رو توده‌های مردم آموختند که باید در نبردهای آتی با اشکال مبارزاتی پیشرفته‌تر و آمادگی بیشتری با رژیم مقابله کنند. پی آمد قیام آبان ماه، رشد و گسترش اعتصابات، تظاهرات و آمادگی شرایط برای برپایی اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی خواهد بود. اعتصاب عمومی سیاسی سرتاسری که نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیج همگانی کارگران و زحمتکشان برای سرنگونی رژیم خواهد داشت، البته همانند انقلاب نه بافرمان برپا خواهد شد و نه یک‌شبه. این اعتصاب، محصول ارتقای اشکالی از مبارزه است که هم‌اکنون نمونه‌های آن را تجربه کرده‌ایم. بدون این اعتصاب و بدون توده‌های وسیعی که این اعتصاب به عرصه مبارزه سیاسی انقلابی خواهد کشید، انقلاب و پیروزی آن به تأخیر خواهد افتاد. اعتصاب عمومی سیاسی سرتاسری رخ خواهد داد. وقوع این اعتصاب که از منطق مبارزه طبقاتی در یک دوران انقلابی ناشی می‌گردد، قطعی است. شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه و موج مبارزات تا به آن حد پیش رفته است که هر لحظه می‌تواند یک چنین اعتصابی مستقل از اراده و آگاهی نیروهای درگیر رخ دهد. بنابراین، وقتی که شرایط عینی برپایی یک چنین اعتصابی تا به این حد، فراهم است، می‌توان روند برپایی آن را تسریع کرد و منتظر نماند تا خودبه‌خود، شکل بگیرد. این وظیفه‌ای است بر عهده طبقه کارگر و بخش پیشرو و آگاه این طبقه. بر عهده پیشروان کارگری در درون کارخانه‌ها و تمام مراکز تولیدی و خدماتی است که با ایجاد کمیته‌های اعتصاب و برقراری رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر، به تسریع برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی در بطن مبارزات پیوسته رشد یابنده موجود یاری رسانند. قیام آبان ماه همچنین آشکار ساخت که بحران سیاسی تا به آن مرحله عمق یافته که تدارک نظامی قیام مسلحانه نیز یکی دیگر از نیازهای عینی شرایط کنونی است. وحشی‌گری، سرکوب و کشتار بی‌رحمانه مردم در قیام آبان ماه بار دیگر به

مردم ایران آموخت که نمی‌توان با دست‌خالی با یک رژیم سرتاپا مسلح، بی‌رحم و جلا، مبارزه کرد. سران جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوب آن که در طول چهار دهه جنایات هولناک، راهی برای فرار در مقابل خود نمی‌بینند، مصمم‌اند تا آخرین لحظات حیات ننگین‌شان به مقاومت مسلحانه در برابر مردم و نیاز جامعه به یک تحول انقلابی ادامه دهند. بنابراین جنگ مسلحانه برای برانداختن آن اجتناب‌ناپذیر است. لذا در همان حال که جمعیت گسترده‌تری از توده‌های کارگر و زحمتکش به میدان مبارزه علنی و مستقیم روی می‌آورند و ارتش سیاسی قیام به نحو روزافزونی رشد می‌کند و قدرتمندتر می‌شود، باید برای قیام مسلحانه تدارک دید. باید از هر طریق ممکن سلاح گردآورد. باید طرز ساختن انواع بمب‌ها را آموخت. باید مراکز سرکوب رژیم و بهترین راه حمله به آن‌ها را به دقت شناسایی کرد. باید محل زندگی تمام اعضای نیروهای مسلح و سرکوب رژیم را در همجا شناسایی کرد. قیام آبان ماه همچنین نشان داد که برای در هم شکستن قدرت نظامی و سرکوب رژیم، باید قیام مسلحانه در ابعاد سراسر ایران شکل بگیرد. دیگر زمان آن گذشته است که همچون قیام ۲۲ بهمن، در تهران کار رژیم را یکسره کرد. این بار قیام مسلحانه برای این‌که به پیروزی و سرنگونی رژیم بیانجامد، باید در تمام شهرهای ایران برپا شود. قیام مسلحانه سرتاسری ضرورتی حتمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. در تأخیر در برپایی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام سرتاسری، به‌عنوان مصمم‌ترین و قطعی‌ترین اشکال تعرض انقلابی، درد زایمان جامعه‌ای نوین از شکم جامعه کهنه را طولانی‌تر خواهد ساخت. چراکه هر آنچه هم بحران سیاسی ژرف باشد، رژیم حاکم خودبه‌خود سرنگون خواهد شد. در عین حال، از آنجایی که این رژیم هیچ‌گونه چشم‌اندازی برای بقاء ندارد، فقط فجایع و کشتار را افزون‌تر خواهد ساخت و جامعه را به فقر و خواهد برد.

انقلاب در چشم‌انداز است. توده‌های کارگر و زحمتکشی که به انقلاب روی می‌آورند، باید هوشیار باشند. در انقلاب پیش روی، اساسی‌ترین مسئله، کسب قدرت سیاسی است. این بار، کارگران و زحمتکشان که تمام هزینه انقلاب را متحمل شده‌اند، نباید اجازه دهند که هیچ فرد، گروه و سازمانی قدرت را بنام مردم تصاحب کند. کارگران و زحمتکشان از هم‌اکنون باید دست رد بر سینه آن‌هایی بزنند که با وعدو وعید می‌کوشند ثمره تلاش و مبارزه آن‌ها را نابود کنند. فراموش نکنید و به خاطر بسپارید، انقلاب زمانی می‌تواند به پیروزی برسد که تمام قدرت در دست توده‌های کارگر و زحمتکش متشکل شده در شوراها قرار بگیرد.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

یک ارزیابی از خیزش توفندهی آبان ۹۸



کوچک یا بزرگی می‌تواند به انفجار آن منجر شود.

انفجار ناشی از گرانی بنزین، بر بستر چنین شرایطی رخ داد. توده‌های مردم به تجربه دریافته‌اند که گرانی بنزین به سایر کالاها نیز سرایت خواهد کرد. توده‌های زحمت‌کش مردم در عین حال این نکته را نیز به تجربه آموخته‌اند و با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند که طی ۴۰ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی، اوضاع‌شان از جمیع جهات، پیوسته بدتر شده است. گرانی بنزین چنان‌که پیش از این نیز به تجربه ثابت شده است، تأثیرات مخربی بر وضعیت معیشتی و اقتصادی آن‌ها خواهد گذاشت. بنزین وسیله‌ای شد که توده‌های فقیر و زحمت‌کش بار دیگر به‌پا خیزند تا تکلیف خود را با چهل سال سلطه ارجاع حاکم یکسره سازند.

این واقعیتیست که دوران انقلابی که با خیزش توده‌ای دی‌ماه ۹۶ رقم خورد، به‌رغم اوج و فرود و زیگزراگ مبارزات توده‌ای، تا به امروز ادامه یافته است. بعد از جنبش اعتراضی دی‌ماه ۹۶، در تابستان سال ۹۷ اعتراضات خیابانی گسترده‌ای داشتیم. در آبان و آذر سال ۹۷ در فولاد و هفت تپه اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری در شکل تظاهرات و تجمعات خیابانی داشتیم. در سال جاری نیز اعتصابات بزرگی در هفت تپه و اعتصابات و تظاهرات خیابانی و مکرر کارگران هپکو و آذراب را داشتیم که بخشاً ادامه دارند. و بالاخره خیزش توده‌ای گسترده در آبان‌ماه خیزش توده‌ای آبان‌ماه و تظاهرات خیابانی توده‌های زحمت‌کش مردم اگرچه در اساس ادامه خیزش دی‌ماه ۹۶ است و مشابهت‌های زیادی با آن دارد، اما در عین حال دارای ویژگی‌هاییست که آن را از خیزش‌های قبلی متمایز می‌سازد. ببینیم این تشابهات و تمایزها و تفاوت‌ها چه هستند.

یکی از وجوه اشتراک بسیار مهم خیزش اعتراضی دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ استقلال کامل آن از جناح‌های حکومتیست. "اصلاح طلب اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا" که یکی از شعارهای اصلی خیزش دی‌ماه ۹۶ بود این بار نیز در عمل به‌کار بسته شد. هردوی این جنبش‌ها و خیزش‌ها بلافاصله پس از شکل‌گیری، به سرعت سراسری شده و علیه سران حکومت، علیه خامنه‌ای و روحانی و علیه کلیت رژیم دیکتاتوری حاکم سمت‌گیری نموده‌اند. این سمت‌گیری که

متراکم شده‌ای که مدتی زیر خاکستر بود، ناگهان شعله‌کشید تا دودمان رژیم جمهوری اسلامی را در خاکستر بنشانند.

سال‌هاست که وضعیت جامعه حالت انفجاری به‌خود گرفته است. شرایط بسیار دشوار و توان فرسای اقتصادی، گرانی‌های پی‌درپی، تورم فزاینده و غیرقابل مهار، بیکاری وحشتناک و مشکلات روزافزون معیشتی، فلاکت و گرسنگی و فقری که گریبان اکثریت مردم زحمت‌کش جامعه را گرفته، به معنای واقعی از آستانه تحمل کارگران، زحمت‌کش‌ان و عموم تهرستان جامعه فراتر رفته است. درحالی‌که در یک قطب جامعه ده‌ها میلیون تن از کارگران و زحمت‌کش‌ان و میلیون‌ها تن از جوانان و بیکاران به فقر و سیه‌روزی و بی‌آیندگی سوق داده شده‌اند، در قطب دیگر جامعه، یک اقلیت مفت‌خوار کم‌شمار، پیوسته بر پول‌ها و ثروت‌های بادآورده خود افزوده و در کاخ‌های افسانه‌ای و تجملات بی‌حد و حصر زندگی می‌کنند. ابعاد دزدی‌های آشکار و ناپدید شدن صدها میلیارد دلار و هزاران میلیارد تومان ثمره دست‌رنج کارگران، چنان گسترش یافته که هیچ جای ابهامی در فساد کل دستگاه حکومتی و سران دزد و فاسد آن و ضرورت پایین کشیدن این جرثومه فساد باقی‌نگذاشته است. درحالی‌که اکثریت بسیار بزرگی از جامعه در شرایط معیشتی دشوار، با سختی کم سابقه‌ای زندگی می‌کنند، میلیارد‌ها دلار از جیب مردم ربوده شده و در لبنان و عراق و یمن و سوریه صرف گروه‌های اسلام‌گرای شیعی و یا صرف نهاد‌های دینی و اشاعه خرافات مذهبی می‌شود.

هم‌پای وضعیت به‌غایت وخامت‌بار اقتصادی و معیشتی، اوضاع سیاسی جامعه نیز بسته‌تر و سرکوب‌شدیدتر شده است. کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، نویسندگان، فعالان حقوق اجتماعی و محیط زیست و غیره با کوچک‌ترین فعالیت و اعتراضی بازداشت و زندانی و شکنجه و به حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌شوند.

توده‌های مردم زحمت‌کش و فرودست جامعه‌ای که بیش از پیش قطبی شده، از این اوضاع به‌سنو آمده و دیگر نمی‌خواهند وضعیت موجود را تحمل کنند. تضاد میان طبقه حاکم و رژیم سیاسی حافظ منافع این طبقه، با کارگران و عموم زحمت‌کش‌ان و تهرستان بیش از پیش تشدید شده و به چنان مرحله حادی رسیده است که هر رویداد

در شعارهایی مانند مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بردیکتاتور انعکاس یافته و با به‌آتش کشیدن عکس‌ها و بنرهای خامنه‌ای همراه بوده است، بیدرنگ به یک مبارزه مستقیم و تمام‌عیار سیاسی تبدیل شده‌اند.

یکی دیگر از وجوه اشتراک این دو خیزش، ترکیب طبقاتی و خواست‌های اعتراض‌کنندگان است. زحمت‌کش‌ان شهری، جوانان، بیکاران و جویندگان کار، زنان، کارگران، تهرستان و زحمت‌کش‌ان حاشیه‌نشین شهرها، نیروی عمده این خیزش‌ها بوده‌اند که برای کار و نان و آزادی به‌پا خاستند. حضور اقشار میانی و فقیر در میان اعتراض‌کنندگان اخیر که پررنگ‌تر از دی‌ماه ۹۶ بود، حاکی از آن است که بخش‌های بیشتری از مردم، تحت فشارهای اقتصادی و معیشتی و سیاست‌های رژیم، به سمت پایین و افشار تهرستان، فقیرتر و کم‌درآمدتر جامعه سوق داده شده‌اند. میلیون‌ها تن از جوانان و بیکاران و حتی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تهیه یک وسیله نقلیه و از طریق حمل‌بار و مسافر ارتزاق می‌کنند. میلیون‌ها تن دیگر با تهیه موتور سیکلت به همین کار مشغول‌اند. روشن است که با سه برابر شدن بهای بنزین و وضعیت درآمدی و زندگی این قشر وسیع مختل می‌شود و بسیار بدیهی‌ست اگر که در ترکیب نیروهای اعتراض‌کننده حتی در صف مقدم اعتراض علیه گرانی بنزین باشند.

اما در مورد ویژگی‌های جنبش اعتراضی آبان ۹۸ که آن را از خیزش دی‌ماه ۹۶ متمایز می‌کند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

جنبش توده‌ای آبان ۹۸ بسیار گسترده‌تر از ۹۶ بود و جمعیتی که در آن شرکت کرده بودند نیز پرشمارتر بود. بسیاری از شهرهایی که در اعتراضات دوسال پیش حضور نداشتند، این بار وارد صحنه مبارزه شدند. اعتراضات و خیزش‌های توده‌ای در بیش از ۱۰۰ شهر و منطقه و بیش از ۲۲ استان شکل گرفت و با سرعت بیشتری از سال ۹۶ سراسری شد و شهر تهران را نیز دربرگرفت. علی‌فدوی جانشین فرمانده سپاه، روز یکم آذر ماه گفت ۲۸ استان و بیش از ۱۰۰ شهر درگیر اعتراضات بوده‌اند. اگر در دی‌ماه ۹۶ اعتراضات توده‌ای عمدتاً در یک منطقه در هر شهر شکل گرفت، این بار در بسیاری از شهرها توده‌های مردم در چند منطقه در هر شهر دست به تظاهرات اعتراض زدند. برای مثال در تهران، در میدان خراسان، میدان شوش، تهران پارس، ستارخان، ولی عصر، میرداماد، صادقیه (آریاشهر) و چند اتوبان دست به تجمع و تظاهرات زدند و راه‌بندان‌های بزرگی ایجاد کردند. عدم تمرکز و تجمع در یک نقطه و تجمع و ایجاد راه‌بندان در مراکز اصلی عبور و مرور، نه فقط جنبش اعتراضی را تقویت می‌کرد بلکه از تحرک و امکان کنترل نیروهای سرکوب نیز می‌کاست. در سال ۹۶ عمده‌ی تظاهرات در شب‌ها انجام می‌شد که امکان شناسایی اعتراض‌کنندگان هم کم‌تر است. این بار اما اعتراضات خیابانی شبانه‌روزی بود و مردم در برخی شهرها دوربین‌های کنترل نصب شده در مراکز شهر را از کار انداختند و در اهواز و تهران پرچم‌های جمهوری اسلامی را پائین کشیدند. دامنه

یک ارزیابی از خیزش توفندهی آبان ۹۸



اعتراضات خیابانی آبان به قدری وسیع و گسترده و برخی تاکتیک‌ها مانند ایجاد راه‌بندان‌های گسترده و طولانی مدت به نحوی بود که عملاً به تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و برخی ادارات دولتی منجر شد و جنبش اعتراضی توده‌ای شکل عمومی تری به‌خود گرفت.

مهم‌ترین و برجسته‌ترین تمایز و تفاوت خیزش آبان ۹۸ با دی‌ماه ۹۶ شیوه‌ها و اشکال مبارزه‌ایست که توده‌های مردم به آن دست زدند. این درست است که شکل اصلی اعتراض مردم، تظاهرات خیابانی بوده است اما این اعتراضات با یورش گسترده به مراکز سرکوب و ستم رژیم همراه شد. چندین پایگاه بسیج و سپاه و کلانتری، دفاتر امام جمعه، مراکز تبلیغ و ترویج خرافات مذهبی، وسایل نقلیه پلیس و نیروی انتظامی و تعداد زیادی از بانک‌ها و پمپ‌بنزین‌ها به آتش کشیده شد. توده‌های به‌جان‌آمده با حمله به بانک‌ها و مراکز ستم و سرکوب و نهاد‌های مذهبی، در واقع نفرت و انزجار عمیق خود نسبت به دولت دینی حاکم را نشان دادند. اتخاذ اشکال رادیکال‌تر مبارزه، آتش زدن بانک‌ها و یورش به مراکز مذهبی در عین حال بیان‌کننده شناخت و آگاهی توده‌های مردم قیام‌کننده از پیوند تنگاتنگ این مراکز با ارگان‌های سرکوب مستقیم رژیم است. توده‌های زحمتکش استثمارشده و فقرزده با این اقدامات، نفرت عمیق خود از نظام سرمایه‌داری و مراکز مالی آن و همچنین انزجار خویش از نهاد‌های حافظ مناسبات سرمایه‌داری را به نمایش گذاشتند. نه فقط رادیکالیزه‌تر شدن اشکال مبارزه از ویژگی‌ها و تفاوت‌های جنبش اخیر با جنبش سال ۹۶ است، بلکه روحیه اعتراضی و تهاجمی، درگیر شدن و مقابله با نیروهای سرکوب و درموردی حتی عقب‌راندن آن‌ها نیز از جمله ویژگی‌های جنبش اخیر است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که از خیزش خشمگین توده‌های مردم به شدت وحشت کرده بود و می‌دانست که اگر این جنبش ادامه پیدا کند، توده‌های اعتراض‌کننده بساطش را بر خواهند چید، با بیرحمی و سرکوب حد اکثری به مقابله با آن پرداخت. خامنه‌ای با "اشار" خواندن اعتراض‌کنندگان، در واقع فرمان‌کشتار وسیع مردم را صادر کرد. رئیس‌جمهور و وزیر کشور و فرماندهان سپاه نیز عیناً حرف‌های خامنه‌ای را تکرار کردند. خامنه‌ای "جنگ امنیتی" را مطرح کرد و در واقع بر تشدید بیش از پیش سرکوب بیرحمانه تأکید ورزید. برای سرکوب شدیدتر و آزادانه‌تر، جنبش اعتراضی توده‌های مردم به کشورهای خارج و بدنام‌ترین بخش اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی منتسب شد. شمار کسانی که در همان دوسه روز اول با گلوله مزدوران حکومتی جان باختند از مرز گذشته‌های دی ۹۶ گذشت. ۲۸ آبان سازمان عفو بین‌الملل شمار کشته‌شدگان را ۱۰۶ نفر اعلام کرد. روزهای بعد، خون‌شمار دیگری از اعتراض‌کنندگان بر زمین ریخت و شمار جان‌باختگان به چند برابر این رقم افزایش یافت. گرچه در اغلب موارد به سر و سینه و به

قصد کشتن فوری معترضین تیراندازی شده اما تعداد تیرخوردگان زخمی شده نیز کم نیستند. مأموران امنیتی رژیم در بیمارستان‌ها به جستجوی زخمی‌ها برآمدند. بیمارستان‌ها موظف شده‌اند "موارد مشکوک" را گزارش کنند. از این رو بسیاری از زخمی‌ها از مراجعه به بیمارستان‌ها خودداری کرده و برخی از طریق اورژانس طلب کمک نمودند. جمهوری اسلامی برای تشدید سرکوب و جلوگیری از انتشار اخبار مربوط به خیزش توده‌ای اینترنت را قطع کرد. خبرهای انتشار یافته حاکی از آن است که مأموران امنیتی رژیم برخی از جنازه‌ها را از بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی قانونی برده‌اند و در آراء تحویل هر جنازه، مبلغ ۴۰ میلیون تومان طلب نموده و برگزاری مراسم تشییع جنازه را منع کرده‌اند. شمار بازداشتی‌ها نیز فوق‌العاده زیاد است. ده‌ها تن از دانشجویان دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه تهران، تبریز، علامه طباطبائی که در حمایت از خیزش توده‌ای دست به تجمع و اعتراض زده بودند بازداشت و زندانی شده‌اند. فقط در دانشگاه تهران بین ۴۰ تا ۵۰ دانشجو دستگیر شده‌اند. بازداشتی‌های شهرهای بزرگ و حتی شهرهای کوچک بسیار زیاد است. تنها در شهر مشهد ۴۰۰ نفر بازداشت شده‌اند. اگر در هر یک از شهرهایی که مردم به اعتراض و قیام برخاستند، بطور متوسط حتی یک چهارم این رقم بازداشت شده باشند، شمار بازداشتی‌ها به ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسد که دوبرابر بازداشتی‌های سال ۹۶ است.

همه‌دار و دسته‌های حکومتی از رهبر حکومت اسلامی گرفته تا دستگاه قضائی و اجرائی و مجلس و سران سپاه و امامان جمعه و رؤسا و کارگردان‌های نهاد‌های مذهبی، متفقاً توده‌های معترض و به‌جان‌آمده را فتنه‌گر و خرابکار و اوباش و اراذل خواندند. اعتراض‌کنندگان را به اشد مجازات تهدید کرده‌اند و بر ریختن خون مردم فقیر و معترض یک‌صدا اصرار می‌ورزند. آنان به‌رغم آن‌که تلاش کرده‌اند توده‌های وسیع اعتراض‌کننده را عده‌ای معدود وانمود سازند، اما نتوانسته‌اند عظمت این خیزش‌ها را انکار کنند، گرچه به زبان خود، اما به آن اعتراف کرده‌اند. فرمانده عملیات بسیج کشور در مورد خیزش توده‌ای گفت: "جنگ جهانی تمام‌عیاری علیه نظام و انقلاب بود... پدیده عجیب و جدیدی بود که یک‌دفعه کل کشور را فرا گرفت..." قبلاً فتنه دیده بودیم اما این فتنه، فتنه دیگری بود!"

درست پس از قطع کامل اینترنت و تشدید کشتار و سرکوب خشن اعتراض‌کنندگان، مقامات حکومتی ادعا کردند جنبش اعتراضی توده‌ای را فرو نشانده‌اند. نه در ترس و وحشت رژیم از

توده‌های اعتراض‌کننده و نه در اعمال خشونت و بیرحمی علیه آن‌ها البته هیچ‌جا تردیدی وجود ندارد. جمهوری اسلامی ممکن است با اعمال خشونت و بیرحمی و کشتن صدها اعتراض‌کننده و پر کردن زندان‌ها از توده اعتراض‌کنندگان، خیزش توده‌ای را قلع و قمع کند. اما کم‌ترین تردیدی در این مورد وجود ندارد که با خیزش‌ها و قیام‌های جدید و گسترده‌تر و با امواج بلندتری از اعتراضات توده‌ای روبرو خواهد شد. خیزش دی‌ماه ۹۶ نیز بیرحمانه سرکوب و قلع و قمع شد، اما دیدیم که خیزش‌های جدید و موج بلندتری از اعتراضات توده‌ای برخاست. تمام علت‌ها و انگیزه‌های اصلی جنبش اعتراضی آبان‌ماه، به قوت خود باقی هستند. مادام که اوضاع بر این منوال باشد خیزش‌های توده‌ای و انفجارات اجتماعی نیز ناگزیر است. خیزش‌هایی که هر بار با پیشرفت‌های جدیدی همراه است. چنان‌که از ۹۶ تا کنون نیز شاهد آن بوده‌ایم، آگاهی سیاسی قیام‌کنندگان پیوسته ارتقاء یافته است. کمیت شرکت‌کنندگان در خیزش‌های توده‌ای افزایش یافته است. جنبش اعتراضی توده‌ای و اشکال مبارزه پیوسته رادیکال‌تر شده‌اند. مسیر حرکت این جنبش‌ها، مارپیچی و حلزونی رو به بالا و در حال تکامل و تعالی بیشتر بوده است.

جمهوری اسلامی نمی‌تواند خود را از چنگ کارگران و زحمت‌کشان و توده‌های مردم عاصی و به‌جان‌آمده و از خطر سرنگونی به دست توانای آن‌ها برهاند. به مصداق یک ضرب‌المثل فارسی باید گفت: "یک بار جستی ملخک، دوبار جستی ملخک، سوم تو دستنی ملخک!" و کلام آخر این‌که بر سرنیزه شاید بتوان تکیه زد، اما بر روی سر نیزه نمی‌توان نشست!

زنده باد، بمبستگی بین المللی کارگران

جنگ رژیم تا بن دندان مسلح با توده‌های قهرمان ایران

داده بود تا هرگونه نارضایتی را در نطفه سرکوب کنند.

اما موج وسیع اعتراضات که به یکباره به پهنای کل کشور گسترده گردید و به اعتراف علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه، در همان روز اول ۲۸ استان را فرا گرفت، رژیم را غافلگیر و درمانده کرد. همین موج وسیع اعتراضات بود که افرادی همچون حسن روحانی را که در جریان به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری کلید در دست گرفته بود، تمام قد با لباس سرهنگی وارد میدان کرد. او نه تنها مانند خامنه‌ای توده‌های قیام کننده را "اشرار و آشوبگر" خواند که بر اساس "برنامه طراحی شده از سوی ارتجاع منطقه، صهیونیست‌ها و آمریکا اقدام می‌کنند" بلکه حتی از دیگر افراد حکومتی نیز فراتر رفته و کسانی را که ماشین‌هایشان را در وسط خیابان خاموش کرده بودند تهدید کرد و گفت "خوشبختانه آنقدر سیستم مانیتور و دوربین داریم که خودرو، پلاک آن و راننده مشخص می‌شود" و از رئیس دستگاه قضایی یعنی همان رقیب انتخاباتی خود خواست تا این افراد را به سزای اعمال خود برساند!!!

رژیم خونخوار و تا بن دندان مسلح با رهنمود خامنه‌ای دست به کشتار مردم زد. بویژه در استان‌های خوزستان، کردستان، کرمانشاه، شیراز آمار کشته شدگان بسیار بالا بود. براساس اخباری که با وجود قطع کامل اینترنت تاکنون منتشر گردیده، در ماهشهر ۲۸ نفر، در بهبهان ۱۰ نفر، در مریوان ۱۰ نفر، جوانرود ۱۴ نفر و کرمانشاه ۱۶ نفر جان خود را از دست داده‌اند. البته باید تاکید کنیم که آمارهای متفاوتی از تعداد کشته‌شدگان در شهرهای مختلف منتشر شده که احتمالا در روزهای آینده آمار دقیق‌تر و درست‌تری به دست خواهد آمد و ممکن است این آمار از دقت کامل برخوردار نباشد. ولی آنچه که مشخص است تعداد بالا و حتی غیرقابل مقایسه کشته‌شدگان آبان ۹۸ با دی‌ماه ۹۶ است. در این‌جا باید بر این نکته بسیار مهم نیز انگشت گذاشت که براساس تجارب قبلی و قتل دستگیرشدگان در زندان، این بار نیز باید با حمایت از دستگیرشدگان و با خواست آزادی تمامی زندانیان سیاسی، به دفاع از دستگیرشدگان برخیزیم. رژیم جمهوری اسلامی حتی تهدید به اعدام گروهی از دستگیرشدگان کرده است و این تهدیدات جدا از این که با هدف ایجاد ترس و وحشت در جامعه صورت گرفته است و جدا از این‌که اساسا شرایط به رژیم چنین امکانی را خواهد داد یا نه، اما به هر حال باید جلوی این رژیم خونخوار برای درهم شکستن دستگیرشدگان و خطر اعدام آن‌ها ایستاد. در همین رابطه نویسنده فاشیست روزنامه کیهان از مقامات جمهوری اسلامی خواست تا طناب دار برای دستگیرشدگان آماده کند. احمد خاتمی امام جمعه تهران نیز در نماز جمعه تهران گفت: "انهایی که ایجاد رعب کردند، باغی و محارب هستند و باید به اشد مجازات برسند. در رابطه با سیاه‌لشکرها هم به دستگاه قضایی می‌گویم به گونه‌ای قاطع عمل کنید که تا ابد پشیمان شوند و هوس نکنند وارد این ماجراها شوند و دیگران هم از این مساله درس عبرت بگیرند."

رژیم اگرچه بعد از کنترل نسبی اوضاع و برقراری حکومت نظامی اعلام نشده اعلام پیروزی کرد، اما خود به خوبی می‌داند که در این نبرد شکست سختی از توده‌ها خورده است. بیهوده نیست که علی فدوی

با توجه به مجموعه تدابیر و هدایت‌های رهبر معظم انقلاب شرایط متفاوت پیش رفته است، اما متأسفانه برخی از بی‌تدبیری‌ها و عدم پیش‌بینی‌های لازم فتنه دیگری را رقم زد که ابعاد و گستردگی آن هنوز خیلی روشن نیست."

بعد از حوادث دی ماه سال ۹۶ و مسیری که اعتراضات توده‌ای از آن زمان به بعد طی کرد از جمله اعتراضات کارگری در آبان و آذر ۹۷، اعتصابات و اعتراضات کامیونداران، دانشجویان، معلمان و دیگر گروه‌های اجتماعی و یا اعتراضات خیابانی مرداد ۹۷، جمهوری اسلامی به این باور رسیده بود که دیگر بازی "اصولگرا و اصلاح‌طلب" برای حفظ نظم موجود کارایی نداشته و برای مقابله با جنبش‌های اجتماعی می‌بایست از ابزار سرکوب خود بیش از پیش و به بهترین شکل بهره بگیرد. رژیم به این باور رسیده بود که خشم تلنبار شده‌ای در جامعه وجود دارد که از شعلهور شدن آن تنها با استفاده از نیروهای سرکوب می‌توان جلوگیری کرد. از همین روست که بویژه از اواخر سال ۹۷ سعی کرد از جمله با بهرگیری از تنش در سیاست خارجی، فضای سیاسی داخل کشور را بیش از پیش امنیتی کند. اما ترس رژیم از شعلهور شدن آتش خشم توده‌ها همچنان باقی بود و برای همین هم است که در تمام این مدت - بهرغم ورشکستگی مالی و باورهای عمیق دولت به سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال - در رابطه با افزایش بهای سوخت از جمله بنزین محتاط عمل می‌کرد.

اما از سوی دیگر واقعیت‌هایی که ریشه در بحران و به عبارتی دقیق‌تر در همان ورشکستگی مالی دولت داشت، رژیم را مجبور می‌کرد تا راه‌هایی برای تامین نیازهای مالی خود ایجاد کند. این موضوع به‌طور خاص در اصلاحیه بودجه که آن‌هم مانند افزایش سه برابری قیمت بنزین در "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه" به تصویب رسیده بود آمده است. در این اصلاحیه برای جبران کمبودهای مالی دولت افزایش قیمت انواع سوخت از جمله بنزین، گازوئیل، گاز و حتی برق و نیز افزایش قیمت کالاهای اساسی تحت عنوان کاهش یارانه کالاهای اساسی که می‌تواند تاثیر مستقیمی بر مهمترین اقلام مورد نیاز خوراکی و درمانی مردم از جمله نان بگذارد، تصویب شده بود.

در قدم اول نیز رژیم بهای نان را کمی افزایش داد تا واکنش توده‌های مردم را ببیند. در مرحله بعد یارانه نقدی بخش‌هایی از یارانه بگیران را قطع کرد تا باز به ارزیابی واکنش‌ها بپردازد. در مرحله بعد رژیم با افزایش بهای بنزین اولین قدم مهم را در راستای اجرای مصوبه اصلاحیه بودجه ۹۸ برداشت و در این‌جا باید تاکید کنیم که این تازه اولین قدم برای اجرای مصوبه اصلاحیه بودجه ۹۸ بود. پیش از آن نیز سران رژیم از جمله حسن روحانی سخنانی بر زبان آورده بودند که در واقع مقدمه اجرای طرح افزایش قیمت بنزین بود، سخنانی همچون کسری ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی بودجه و غیره. جمهوری اسلامی می‌دانست که این گام از گام‌های دیگر بزرگتر و در نتیجه متفاوت است و بنابراین سعی کرد با پیش‌بینی تمامی احتمالات، راه‌های کنترل اتفاقات را ببیند. رژیم اولاً برای اعلام این کار روز جمعه را انتخاب کرد که روز تعطیل است و دوماً هشدارهای لازم را به نیروهای اطلاعاتی و مسلح

و استخوان خود لمس کرده و آموخته‌اند. دستگاه عریض و طویل نیروی انتظامی، بسیج، سپاه، ارتش، دستگاه قضایی، زندان‌ها، اطلاعات و بالاخره کابینه و مجلس اسلامی و خیرگان و شورای نگهبان و ده‌ها و صدها دستگاه و نهاد جبرمخوار مذهبی و غیره همه در خدمت این نظم ظالمانه هستند، نظمی که چنین شرایط وخیمی را بر توده‌های مبارز و قهرمان ایران، از کارگران و زنان و جوانان تا کودکان تا معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه تحمیل کرده است. این را وقتی به روشنی روز می‌توان دید که توده‌های به پا خاسته با اعتراضات قهرمانانه خود نظم موجود را به چالش می‌کشند و در پاسخ تمام حاکمیت یک دست این توده‌ها را "اشرار" نامیده و به کشتار و به بند کشیدن آن‌ها افتخار می‌کند. احمد خاتمی آخوند مرتجع و جنایتکار در نماز جمعه تهران در بررسی قیام قهرمانانه توده‌ها، به این واقعیت این‌گونه اعتراف می‌کند: "در این عرصه تمامی سلیقه‌های داخل نظم همراه بودند و می‌گفتند باید مقابل این اشرار ایستاد."

مبارزات مردم قهرمان ایران که از صبح روز جمعه ۲۴ آبان‌ماه آغاز گشت، آن‌چنان با از خودگذشتگی، مبارزمنویانه و با فداکاری همراه بود که ارکان نظام اسلامی به یکباره به لرزه درآمدند و چه کتم و چه کتیم بسیاری از ارگان‌ها و نهادهای حاکمیت را فرا گرفت. این را به‌خوبی در ارائه طرح سه فوریتی در مجلس اسلامی برای بازگرداندن قیمت بنزین به قبل و توقف طرح افزایش بهای بنزین می‌توان دید. اما خامنه‌ای که به بهانه "درس خارج فقه" در جمع نوکران و چاکران دربار سخن می‌گفت با اعلام حمایت از افزایش بهای بنزین، "اشرار" خواندن توده‌های قهرمان و بپاخاسته علیه نظم موجود و بالاخره درخواست برقراری امنیت از نیروهای مسلح به تزلزل و دولتی که در میان ارکان حاکمیت ایجاد شده بود به‌طور موقت پایان داد.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی پیش‌بینی اعتراضاتی تا این ابعاد را نداشت. این را حتی در اطلاعیه مهم‌ترین ارکان سرکوب رژیم یعنی سپاه پاسداران که سه روز بعد از شروع اعتراضات انتشار یافت می‌توان دید. در اطلاعیه سپاه به تاریخ ۲۷ آبان آمده بود: "افزین بر شما ملت سلحشور، نشمن‌شناس و فداکار! که... در اکثر استان‌ها و شهرهای کشور، ضامن ثبات و آرامش جامعه بوده‌اید؛ بی‌گونه‌ای که حتی یک گزارش نامنی، تخریب، غارت و چپاول اموال عمومی از آن مناطق در یافت نشده است". اطلاعیه سپاه در حالی از آرامش در اکثر استان‌ها سخن می‌گوید که فرماندهان سپاه در روزهای بعد حرف‌های متفاوتی زده و از سراسری شدن اعتراضات، فراگیری آن و این که حتی "خدا به داد ما رسید" سخن گفتند که البته در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی و سیاسی "فرمانده کل قوا" و نماینده سابق خامنه‌ای در سپاه نیز در همین رابطه از غافلگیری جمهوری اسلامی سخن گفته و بر نقش خامنه‌ای بر پایان دادن بر دولتی‌ها و ترسی که بر ارکان رژیم افتاده بود تاکید می‌کند. وی در "همایش هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح" گفت: "در مورد سال ۹۸ تحلیل این بود که

جنگ رژیم تا بن دندان مسلح با توده‌های قهرمان ایران

جانشین فرمانده کل سپاه اعتراض‌های اخیر را به عملیات "کربلای ۴" در جنگ ایران و عراق تشبیه کرده است، عملیاتی که نیروهای مسلح ایران شکست سختی از نیروهای مسلح عراق خوردند و شاید حتی بشود گفت بزرگترین شکست نیروهای مسلح ایران در برابر نیروهای مسلح عراق در جنگ هشت ساله. همین فرمانده سپاه به صراحت از مقابله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با قیام کنندگان به عنوان "جنگ" نام می‌برد و می‌گوید "۴۸ ساعت جنگ کردیم و اعتراض‌ها را جمع کردیم". سالار آنبوش فرمانده عملیات بسیج نیز با بیان این‌که "دفع فتنه جز با توجهات خدا و عنایات امام زمان" ممکن نبود، و این‌که "پدیده عجیب و جدیدی بود که یک دفعه کل کشور را فرا گرفت"، گفت: "به عنوان کسی که در صحنه بودم معتقدم فقط خدا ما را نجات داد... جنگ جهانی تمام عیاری علیه نظام و انقلاب وضع حمل کرد و خوشبختانه نوزاد آن در لحظه تولد فوت کرد".

سخنان فرماندهان سپاه در ادامه سخنان خامنه‌ای و روحانی که توده‌های قهرمان ایران را "اشرار" نامیدند، اعلام جنگ رسمی جمهوری اسلامی با توده‌های قهرمان ایران است. توده‌های قهرمانی که تمامی گروه‌های اجتماعی، از کارگر تا معلم و دیگر زحمتکش‌های جامعه، از زن و مرد، از کودک و جوان، و تمامی ملیت‌های تحت ستم را در بر می‌گیرد. تمام آن‌هایی که امروز به معنای واقعی با خواست کار نان آزادی حکومت شورایی به میدان آمده‌اند. تمام آن‌هایی که آرزوهای‌شان در حکومت شورایی قابل تحقق است.

بر کسی پوشیده نیست که وقتی خامنه‌ای از برقراری امنیت صحبت می‌کند، منظور او امنیت جمهوری اسلامی و مناسبات سرمایه‌داری حاکم است، امنیت جمهوری اسلامی و مناسبات حاکم در برابر خواست توده‌های بپا خاسته. توده‌هایی که از فقر و بیکاری به ستوه آمده‌اند. توده‌هایی که از کشتار جوانان‌شان و به بند کشیدن کارگران، جوانان، معلمان، زنان و مدافعان حقوق ملیت‌های تحت ستم و غیره به ستوه آمده‌اند.

توده‌هایی که از دروغ‌ها و ریاکاری‌های رژیم حاکم به ستوه آمده‌اند، از نظم طبقاتی، از فاصله و حشمتناک طبقاتی به ستوه آمده‌اند. توده‌هایی که در اثر گران شدن بنزین باز به فقر بیشتر محکوم شده‌اند و این را نتایج تمامی سیاست‌هایی که مَهر "اقتصاد نئولیبرالی" را با خود دارند ثابت می‌کند. سیاست‌هایی که در ایران نیز فاجعه آفریده است و یکی از آنان همان به اصطلاح "هدفمندسازی بارانه‌ها" بود که حتی براساس چهار پژوهش نهادهای دولتی اجرای این سیاست باعث شده است تا طی سال‌های ۸۹ تا ۹۶ وضعیت معیشتی ۷۰ درصد مردم بویژه اقشار فقیر و متوسط جامعه بدتر شود.

بدون تردید توده‌ها به رژیم مسلح که به طور علنی و رسمی به آن‌ها اعلام جنگ مسلحانه کرده است، روزی اعلام جنگ خواهند داد. قیام مسلحانه‌ای که پایان حکومت اسلامی و حکومت ننگین آن را رقم خواهد زد و در تاریخ ماندگار خواهد شد تا همه جانیپکاران از آن درس عبرت بگیرند.

پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) به کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

رفقای عزیز!

با درودهای گرم و رفیقانه و با سپاس از دعوت سازمان ما برای شرکت در کنگره حزبتان. قبل از هر چیز لازم است برگزاری کنگره نهم حزبتان را به شما رفقا شادباش گفته و پیشاپیش برای پیشبرد اهداف این کنگره آرزوی موفقیت داشته باشیم. همانطور که خود نیز در بیانیه‌های سیاسی‌تان اشاره کرده اید، جهان سرمایه داری هم اینک با یکی از دوران‌های پر تلاطم خود مواجه است. شکاف طبقاتی بیش از هر زمان دیگری در کشورهای سرمایه داری دهن باز کرده و هر روزه کارگران و توده‌های زحمتکش بیشتری را در گرداب فقر و فلاکت کشانده است.

بحران اقتصادی، بیکاری مزمن، رشد تورم، تداوم سیاست اقتصاد نئولیبرال، ریاضت اقتصادی، کاهش واقعی دستمزدها و محدود شدن روزافزون امکانات اجتماعی طبقه کارگر، وضعیتی را بوجود آورده است که توده‌های کارگر و زحمتکش در مقیاس جهانی مدام فقیر و فقیرتر شده‌اند. آنچه اکنون کارگران و توده‌های زحمتکش را در مقیاس جهانی به مبارزه و رو در رویی علنی با نظم موجود کشانده است، شرایط غیر قابل تحملی است که جهان سرمایه داری بر کرده کارگران و زحمتکش‌شان آوار کرده است. وضعیتی وخامت بار که رهایی از آن، بجز با براندازی نظم پوسیده کنونی و جایگزینی آن با نظم نوین سوسیالیستی امکان پذیر نیست.

پوشیده نیست، کارگران و توده‌های زحمتکش ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیستند. آنان نیز برای تحقق کار، نان، آزادی بیش از هر زمان دیگری به مبارزه ای علنی و رو در رو با طبقه حام و نظام می سیاسی پاسدار آن روی آورده‌اند. این را جوانان سلحشور و توده‌های ستمدیده در خیزش انقلابی دیماه ۹۶ با پرچم جان فریاد زدن، این را، مبارزات رشد یابنده کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و دیگر اقشار زحمتکش از دیماه ۹۶ به این طرف با گسترش شیوه‌های مبارزاتی نشان داده‌اند. اینرا، کارگران فولاد اهواز با رژه خیابانی و کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصاب یک ماهه خود در آبان و آذر ماه ۹۷، و طرح شعار "نان- کار- آزادی- اداره شورایی" رستار از هر زمان دیگری فریاد زدند. اینرا هم اینک، تظاهرات خیابانی و قیام سلحشورانه جوانان و توده‌های ستمدیده ایران در هر کوی و برزن به ما می گوید. همان قیام و خیزشی که این روزها سراسر شهرهای ایران را فرا گرفته است. قیام و خیزشی که اینبار در ابعادی به مراتب وسیعتر و رادیکال تر از خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ سر باز کرده است. در واقع، گرانی بنزین جرقه ای بر انبار باروت چهل سال خشم و انزجار توده‌های رنج کشیده مردم ایران از نظام فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی شد.

همان جوانان و توده‌های رنج کشیده ای که از ستم‌های بیکران جمهوری اسلامی به ستوه آمده‌اند، از بامداد روز جمعه ۲۴ آبان، همین که خبر افزایش بنزین انتشار یافت، انفجار خشم فرو خفته‌شان، خرمن جمهوری اسلامی را به آتش کشید. توده‌های زحمتکش و ستمدیده ای که به سرعت برق و باد به اعتراض برخاستند و تقریباً در اکثر قریب به اتفاق شهرهای کشور از آذربایجان تا کردستان، از خوزستان و شیراز تا گیلان و مازندران، از تهران تا اصفهان و یزد، و از بلوچستان تا خراسان، به تظاهرات خیابانی روی آوردند. توده‌های ستمدیده ای که طی روزهای گذشته با اشکال مختلف مبارزاتی، از اعتراضات وسیع توده ای گرفته تا راه پندان و بستن جاده‌ها، از قیام و سنگر بندی گرفته تا جنگ و گریز خیابانی، از به آتش کشیدن مراکز سرکوب و ستم گرفته تا حمله به بانک‌ها، مراکز اقتصادی و بعضاً حوزه‌های تحقیق و خرافات دینی، ستون‌های جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد.

نظر به عمق و وسعت مبارزات کنونی و نظر به گستردگی آن، بویژه در شهرهای بزرگ، اگرچه ظرفیت و پتانسیل مبارزات کنونی بسیار فراتر از دیماه ۹۶ است، اما این وسعت و گستردگی هرگز به تنهایی برای پیروزی بر جمهوری اسلامی کافی نیست. تجربه خیزش دیماه ۹۶ به خوبی نشان داده است که اینگونه خیزش‌های انقلابی هر چقدر هم گسترده باشند، بدون ادامه کاری، بدون همراهی و پشتیبانی اعتصابات وسیع کارگری، بدون همگامی اعتصابات سراسری معلمان و بدون اعتصابات همزمان دانشجویی، با مشکلات اساسی مواجه خواهد شد و چه بسا هر بار زیر مهمیز سرکوب و کشتار وحشیانه جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی گردد. بنابر این، همزمان با گسترش مبارزات خیابانی، می‌بایست با سازماندهی اعتصابات سیاسی عمومی تداوم خیزش انقلابی توده‌های بپا خاسته را تضمین کرد و در نهایت با برپایی قیام مسلحانه توده‌ای نظم موجود را برچید.

پوشیده نیست که تحقق این امر بجز با وحدت طبقاتی و سازمان یابی مستقل طبقه کارگر متحقق نخواهد شد. طبیعتاً همکاری‌های مشترک و عملی نیروهای چپ و کمونیست، بویژه همکاری مشترک شش جریان چپ و کمونیستی که طی دو سال گذشته در مسیر همگامی و اتحاد عمل با هم گام برداشته‌ایم، می‌تواند بخشی از این فرآیند پیش رو باشد.

رفقای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست!

سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر با ابراز صمیمانه‌ترین درودها به شما رفقای عزیز، آرزو دارد کنگره نهم حزبتان با موفقیت به کار خود پایان دهد و تصمیمات آن متناسب با شرایطی که اکنون در آن بسر می‌بریم، گامی موثر در تحکیم روابط و بستری مناسب برای تقویت و انسجام بیشتر اتحاد عمل مشترک سازمان‌های چپ و کمونیست در رسیدن به همبستگی‌های بزرگ طبقاتی باشد.

با درودهای رفیقانه

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

آبان ۱۳۹۸ / نوامبر ۲۰۱۹

زبان زنان با جمهوری اسلامی، زبان آتش است

اسلامی. در آن سال، زنان نه تنها در خیزش عمومی نقشی فعال ایفا کردند، بلکه در دل همان خیزش، پدیده "دختران انقلاب" سربرآورد. پدیده‌ای که "حجاب اجباری" را به چالشی جدی طلبید. چالشی که در بطن اعتراضات عمومی، به مقاومت ۳۹ ساله زنان در برابر حجاب مطلوب حاکمان، زبانی سیاسی بخشید. نیز از همین رو بود که سران رژیم به سرکوب شدید "دختران انقلاب" پرداختند. در تمامی اعتراضات سال ۹۷ نیز باز شاهد حضور فعال زنان در عرصه مبارزه هستیم، هم در عرصه مطالبات خود و هم در عرصه اعتراضات و خیزش‌های عمومی و سراسری و افزون بر آن، در متن مبارزات جنبش‌های اجتماعی. در اعتراضات موسوم به "جنبش مال‌باختگان" از سال ۹۶، زنان، نقشی محوری ایفا می‌کنند؛ در جنبش بازنشستگان و در جنبش معلمان باز هم با حضور بارز زنان در عرصه مبارزه روبرویم. مبارزات جنبش کارگری، هم از حضور زنان خالی نیست. یک بار به عنوان عضوی از خانواده کارگران، بار دیگر در قالب دلیران جوانی که در تجمعات و اعتصابات کارگری، در اول ماه مه در کنار کارگران حاضر می‌شوند و به رغم آگاهی از مجازات‌های سنگینی که در انتظار آنان است، از هیچ‌گونه ارعاب و زندان و شکنجه‌ای به خود هراس راه نمی‌دهند. در عرصه جنبش دانشجویی رادیکال، حضور دانشجویان دختری که در اعتراضات و تجمعات خود، همراه با طرح مطالبات دانشجویی، فریاد می‌زنند: "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم" برجسته است. در یک کلام، به هر یک از عرصه‌های مبارزاتی و اعتراضی که بگیریم، عرصه‌ای را خالی از حضور زنان و حتا ایفای نقش "میان‌داری و میان‌داری" نمی‌یابیم. در ادامه گزارش می‌آید: "اینکه چرا در اعتصابات اخیر، زنان به مهره میداندار تبدیل شده‌اند، خود جای سؤال دارد."

این نویسنده قلم‌بزمز ابله، اما بیش از آن، همدست رژیم جنایتکاری را که تنها در همین روزهای اخیر صدها تن را به قتل رسانده، هزاران تن را مجروح ساخته و تعدادی بیشتر را در شکنجه‌گاه‌های خود به اسارت گرفته است، باید به تجربه روزانه‌ی میلیون‌ها زنی رجوع داد که ۴۰ سال است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و تحت قوانین شرعی زندگی می‌کنند.

همین‌که پای خمینی به ایران رسید زنان قاضی از کار خود برکنار شدند و این مقدمه‌ای بود بر راندن میلیون‌ها زن از بسیاری از مشاغل؛ میلیون‌ها زنی که با ارعاب و چوب و چماق مزدوران حزب‌اللهی و بگیروبیند و فرمان‌های دولتی ناچار شدند به حجاب تن دهند، هرچند نه حجاب مطلوب حاکمان نورسیده؛ میلیون‌ها زنی که در این سال‌ها به "جرم" "بجبابی" توهین و تحقیر و مجازات شده‌اند؛ میلیون‌ها دختری که از تحصیل در برخی رشته‌ها محروم شدند؛ میلیون‌ها زن محروم از حقوق برحق خود مانند حق طلاق و سرپرستی فرزند محکوم به تحمل خشونت خانگی، افزون بر خشونت دولتی و خشونت اجتماعی گذشته‌اند؛ میلیون‌ها زن و دختری که حضورشان در عرصه‌های اجتماعی با محدودیت‌های بسیار روبروست، بلکه در خصوصی‌ترین عرصه‌ها نیز با ممنوعیت سقط جنین، پیگیری سیاست "فرزندآوری" از حق

تصمیم‌گیری بر بدن خود نیز محروم گشته‌اند؛ میلیون‌ها زنی که در ۴۰ سال گذشته ناچار به تحمل توهین و تحقیر سران حکومت، آخوندهای متعلق به قبرستان تاریخ، رسانه‌های گوش‌به‌فرمان و اوباش و اراذل سرکوبگر رسمی و نیمه‌رسمی بوده‌اند و همه با اتهامی یکسان: "زن بودن".

هرچند دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و بیکاری پدیده‌ایست رایج در میان مردان و زنان، اما دستمزدهای چندین برابر کمتر از دستمزد مردان و نرخ بیکاری بالاتر نسبت به مردان، به ویژه در میان زنان تحصیل‌کرده، زنان را به نیروی کار بسیار ارزانی برای طبقه حاکم تبدیل کرده است و استثمار شدیدتری را بر آنان تحمیل می‌کند. استثماری که به علت عدم حمایت‌های قانونی و اجتماعی با ستم‌های جنسیتی و آزار و اذیت در محل‌های کار همراه شده است. شرایطی که بنا به معیارهای بین‌المللی یکی از وخیم‌ترین خشونت‌ها علیه زنان محسوب می‌شود. یعنی فقر اقتصادی. فقری چندان رایج که زنان دست‌اندرکار رژیم را به اعتراف واداشته و از "زنانه شدن چهره فقر" سخن می‌گویند.

هرچند پدیده فقر و تهیدستی اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان را در چنگال‌های هولناک خود می‌فشرد، اما این فشار بر زنان بسی وخیم‌تر است. آن میلیون‌ها زن سرپرست خانواری را در نظر بگیرد که بایستی با صدقه‌ناچیز ارگان‌های غارتگر رژیم، معیشت خانوار را فراهم آورند؛ آن زنانی که به جز فشار کار خانگی، شاغل هم هستند، اما باز هم نمی‌توانند تعادلی میان درآمد و هزینه برقرار کنند؛ آن زنان به ناچار خانه‌داری را که بایستی درآمد محقر خانواده را بین هزینه‌های جاری تقسیم کنند و با آن که از چندین فقره‌از نیازهای مبرم خود و فرزندان و خانواده می‌زنند، باز هم این درآمد تکافی هزینه‌ها را نمی‌دهد؛ آن مادرانی را که شاهد بیکاری و بی‌آیندی فرزندان خود هستند؛ آن زنان فقیرزده‌ای را که از سر ناچاری با دلی خون‌بار فرزندان خود را هم روانه بازار کار می‌کنند تا لقمه‌نایی بر سفره محقر خانوار آورده شود؛ آن زنان بازنشسته‌ای را که سالیان متمادی جوانی و سلامت خود را در بازار کار بر جای گذاشته‌اند و اکنون در دوران پیری و بیماری نمی‌توانند حتا هزینه دوا و درمان خود را تأمین کنند.

همان‌گونه که گفته شد، گزارش فوق، انعکاس بخشی از واقعیت است. اگر زنان ۳۰ تا ۳۵ ساله در این تظاهرات حضور داشتند و حتا "میدان‌دار" بودند، اما ده‌ها هزار زن جوان‌تر و مسن‌تر نیز در اعتراضات شرکت داشتند و چه بسا "میدان‌دار و میدان‌دار" مبارزه بوده‌اند.

این همه تنها بخشی از واقعیت‌های زیسته‌ی زنان در ۴۰ سال اخیر است. درست همین واقعیت زیسته، زنان را به یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اجتماعی چالشگر رژیم بدل کرده است و در اعتراضات اخیر، مانند اعتراضات پیشین "به مهره میداندار" تبدیل شده‌اند. در همین اعتراضات اخیر بسیار شنیده‌ایم که اعتراض تنها به افزایش قیمت بنزین نبود، بلکه اعتراضی بود همگانی به فقر و تهیدستی، به تبعیض و بی‌حقوقی، به سرکوب و خفقان، به استثمار و ستم. جای سؤال ندارد که چرا زنان، یعنی نیمی از جمعیت جامعه که در معرض استثمار شدید و ستمی مضاعف قرار دارند به

"میدان‌دار و میدان‌دار" مبارزه تبدیل شده‌اند، اگر چنین نمی‌بود، جای سؤال داشت.

البته نویسنده گزارش فوق، هدفش فقط اشاره به مشاهدات عینی نیست، بلکه هدف وی و رسانه‌هایی که این گزارش را بازتاب داده‌اند، در واقع زمینه‌سازی برای سرکوب بیشتر زنان است.

امری که سران رژیم خود از آن غافل نمانده‌اند. ما در همین دو سال گذشته شاهدیم که چه دختران و زنان بسیاری که دستگیر شده‌اند، در زندان‌ها شکنجه جسمی و روانی شده‌اند، و آنان که در بیدارگاه‌های رژیم محاکمه شده‌اند، با چه احکام سنگینی روبرو گشته‌اند. هنوز پرونده بسیاری از آنان با حکم‌های سنگین بدوی باز است؛ احکامی از حداقل ۵ سال گرفته تا ۲۴ سال، همراه با مجازات قرون وسطایی ده‌ها ضربه شلاق برای هر یک. به "اتهام"‌های گوناگون: برخی به علت همراهی و همبستگی با کارگران، برخی به علت "کشف حجاب" و مخالفت با حجاب اجباری، برخی به اتهام شرکت در اعتراضات دانشجویی، تعدادی دیگر به اتهام شرکت در اعتراضات توده‌ای.

رژیم نیز خطر را دریافته و با دستگیری‌های گسترده و مجازات‌های سنگین قصد دارد زنان را مرعوب کرده و از عرصه مبارزه براند؛ براند به همان کنجی که حاکمان جمهوری اسلامی برای زنان خواب دیده‌اند. بیهوده نیست که خامنه‌ای در شرایطی که توده‌های رنج‌دیده زنان به میدان آمده و میداندار مبارزه شده‌اند در سخنرانی ۲۸ آبان‌اش، در میانه‌ی به قول او "جنگی امنیتی"، برای حل مشکلات اقتصادی کشور به موضوع بی‌ربط و مزخرفی همچون "مولود را افزایش دهید" متوسل می‌شود. مزخرفاتی که تنها از ذهن معیوب یک بیمار روانی تراوش می‌کند. بیهوده نیست که اولین "اعتراف" اجباری که در تلویزیون به نمایش درمی‌آید، "اعترافات" بریده بریده یک زن است.

اما رهبر و سایر سران رژیم، کور خوانده‌اند. همان‌گونه که سرکوب و تحقیرانه و کسلبافه مردم در اعتراضات اخیر، تنها یک عقب‌نشینی موقتی را بر مردم معترض تحمیل کرده است، و موج اعتراضات با پسماندی بیشتر در آینده در پیش است، سیاست ارعاب و سرکوب زنان نیز بی‌ثمر است. یک نمونه، سپیده قلیان است که با وجود مدت‌ها اسارت و شکنجه و آزار جسمی و روانی خود و خانواده‌اش، با وجود محکومیت به ۱۸ سال زندان، با وجود آزادی موقت به قید وثیقه در همین چندی پیش، در اعتراضات اخیر باز هم به میدان مبارزه گام گذاشت و با در دست گرفتن پلاکاردی که روی آن نوشته بود: "بنزین گرون‌تر شده، فقیر، فقیرتر شده" در اعتراضات توده‌ای سراسری شرکت کرد. این دختر دلیر ثابت می‌کند، "زندان، شکنجه، اعدام" دیگر اثر ندارد. شب همان روز، وی مجدداً دستگیر می‌شود. اما سپیده تنها یکی از میلیون‌ها دلاورزنانی است که با وجود آگاهی به عواقب شورش علیه رژیم توحش پای پس نخواهند گذاشت. او یکی از چهره‌های آشنا در میان میلیون‌ها زن گمنام جوان، میان‌سال و مسنی است که در مبارزات توده‌ای شرکت می‌کنند و تا سرنگونی این رژیم و برپایی حکومتی که در آن خواسته‌هایشان متحقق شود، در میدان مبارزه استوار خواهند ایستاد.

رژیم با تبعیض‌ها و محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحمیلی بر زنان در طول ۴۰ سال گذشته، آنان را رادیکال و رادیکال‌تر کرده و از این پس، زنان تنها با زبان آتش با این رژیم سخن خواهند گفت.

زبان زنان با جمهوری اسلامی، زبان آتش است

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 848 November 2019

اعتراض در چارچوب قوانین رژیم) را هراساند و هشدارهای پی در پی آنان مبنی بر "پرهیز از خشونت" را برانگیخت، بی آن که برای زنان روبرو با سرکوب عریان رامکاری داشته باشند. از آن سال به بعد شکاف میان توده‌های زنان و "کنشگران اصلاح‌طلب زنان" عمیق‌تر گشت و حتا لایه‌هایی از قشر متوسط را از آنان دور ساخت. شاهد آن که امروز، این زنان "ظاهراً ۳۰ تا ۳۵ ساله"، همان دختران بیست و بیست و چند ساله‌ی ده سال پیش هستند که امروز بدون هیچ توهمی به جناح‌های جمهوری اسلامی در اعتراضات "نقش میان‌داری و میدان‌داری" را ایفا می‌کنند. نگاهی به خیزش دی ماه ۹۶، گواه دیگر بیست بر نقش فعال زنان در اعتراضات علیه جمهوری

۷ در صفحه

اسلامی نقش فعالی یافته‌اند. اگر نخواهیم به گذشته دورتر بپردازیم، باید به اعتراضات سال ۸۸ نگاهی بیندازیم. اعتراضاتی که هنوز عکس‌ها، کلیپ‌ها و گزارش‌های آن موجود است و گواهی هستند بر نقش "میدان‌داری" زنان در آن اعتراضات. در سال ۸۸ با آن که اعتراضات با شعار "رای من کرو؟" آغاز شد، اما روند مبارزه، متوهمان بسیاری را از بدنه آن جدا کرد و به سوی آن طیف آگاهی راند که تسلیم "نظارات سکوت" طرفداران موسوی و کروی و اصلاح‌طلبان نشده بودند. در نتیجه این زنان ناامید از "جنش سبز" همصدا با سرنگونی‌طلبان، شعار "مرگ بر نیکاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" را فریاد زدند. ریزشی چندان آشکار که بسیاری از "کنشگران مبارزه مندی زنان" (بخوان



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی